

یادداشت

چرا ترامپ از مدار جنگ خارج نمی‌شود؟



محمدمحمودی‌کیا

آنچه در خاورمیانه در حال وقوع است و در دو سال اخیر با شدتی چشمگیر تمام معادلات سیاسی و امنیتی و نظم سنتی را هدف قرار داده، بدون اتصال با آینده نظم در سطح نظام بین‌المللی قابل فهم نیست یا حداقل تصویر ناقصی از واقعیت را به ذهن متبادر می‌کند. به باور نگارنده، یکی از پیشران‌های اصلی در وقوع پرشتاب تحولات در منطقه راهبردی خاورمیانه، تشدید فرایندها برای ساخت نظامی نوین در عرصه نظام بین‌المللی است. جنگ اقتصادی میان چین و آمریکا که تغییرات بنیادین در پیشران‌های نظم‌ساز در عرصه بین‌المللی دارد، به‌طوری‌که رئیس‌جمهور چین نیز از ضرورت بازتعریف مؤلفه‌های هنجاری و نیز بازطراحی ساختاری نظم بین‌المللی براساس خوانش چینی سخن به میان آورده و این سیاست به‌عنوان یک راهبرد کلان برای چین در دوره رهبری نسل پنجم آن مطرح شده و یک دستور کار جدی برای دولت محسوب می‌شود. از همین رو، هرگونه ورود آمریکا به منازعه با چین با هدف امتناع از قدرت‌یابی آن در سطح سیستمی، نیازمند مصونیت‌بخشی به اقتصاد آمریکا از نوسانات پردامنه و امواج قدرتمند برآمده از پیامدهای اقتصادی این منازعه خواهد بود. از این‌رو، ایالات متحده منطقا باید درخصوص موضوعات حائز اهمیت ازجمله مسئله انرژی که عاملی محوری برای اقتصاد و صنعت آمریکا محسوب می‌شود، چاره‌اندیشی کند. جنگ در خاورمیانه از طریق نیروی نیابتی آمریکا در منطقه، یعنی رژیم صهیونیستی و پیش‌تر از آن اقدامات فریبنده‌ای همچون ابتکار صلح ابراهیم یا بیشتر از آن، معامله قرن، همگی در چارچوب منطق اقتصادی برای مواجهه با چین قابل تفسیر و فهم است. آمریکا برای آسودگی خیال از تأمین پایدار جریان انرژی سرای صنایع خود و نیز یک بازار مصرف‌کننده برخوردار، نیاز به تسلط سیادت خود بر منطقه خاورمیانه دارد و این برتری جز از طریق تضعیف دولت‌های محلی و تقویت یک نیروی نیابتی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین آغاز و پایان جنگ در خاورمیانه اساسا یک پروژه آمریکایی برای آماده‌سازی اقتصاد آمریکا به‌منظور مواجهه با تنش‌های اقتصادی ناشی از جنگ تجاری با چین قابل فهم است. حتی آنچه امروز در ونزولا در حال وقوع است و هر لحظه امکان فوران بحران و آغاز جنگ در این منطقه وجود دارد، نه اقدامی برای مبارزه با کارتل‌های مواد مخدر، بلکه اقدامی برای تضمین امنیت پایدار انرژی برای آمریکاست. درواقع تا زمانی که تسلط آمریکا بر منابع انرژی در خاورمیانه یا در نزدیک‌ترین نقطه جغرافیایی به خود، ونزولا، آسوده نشود، هرگونه ورود به جنگ تجاری با چین می‌تواند پیامدهای ناگواری برای هژمونی اقتصادی آمریکا به همراه داشته باشد.

سیاست‌مداران آمریکایی به‌خوبی این موضوع را درک کرده‌اند که اگر در مسیر فراینده قدرت‌یابی چین مانعی ایجاد نکنند، دیری نخواهد پایید که سیادت آمریکایی بر نظم بین‌المللی از میان برداشته خواهد شد و آمریکا لاجرم از تقسیم کار جهانی با چین خواهد بود. در نتیجه، می‌توان این‌گونه استنتاج کرد که ایالات متحده و چین در حال رقابت برای تعریف نظم جهانی آینده هستند. آمریکا می‌خواهد نظم مبتنی بر قواعد تحت رهبری خود را حفظ کند، درحالی‌که چین در حال ساختن یک نظم جایگزین و چندقطبی است. در این رقابت، مناطق دارای منابع استراتژیک (مانند نفت) با موقعیت ژئوپلیتیک خاص، به میدان نبرد این رقابت تبدیل می‌شوند. در ادامه تلاش می‌شود ریشه اقدامات جنگ‌طلبانه آمریکا در منطقه خاورمیانه و آمریکای لاتین و نیز تنش مناطق یادشده در این منازعه برای نیل به جایگاه قدرت هژمون تفصیل بیشتری داده شود.

۱. **نقش خاورمیانه؛ انرژی، امنیت و دلار**

خاورمیانه هنوز هم یک مرکز ثقل در بازار جهانی نفت است. هر کشوری که نفوذ بیشتری در این منطقه داشته باشد، می‌تواند بر قیمت و امنیت انرژی جهان تأثیر بگذارد. این اهمیت برای آمریکا با هدف اطمینان از جریان نفت به صنایع خود و جلوگیری از تحت تأثیر قرارگرفتن اقتصاد جهانی توسط رقبا، به صورت یک اولویت مطرح است.

همچنین، سلطه بر خاورمیانه به حفظ برتری دلار به‌عنوان ارز اصلی معاملات نفت کمک می‌کند.

در نقطه مقابل، برای چین این اهمیت ماهیتی دیگری دارد؛ چین به بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان تبدیل شده و وابستگی شدیدی به انرژی خلیج فارس دارد. اگر آمریکا بر این منطقه مسلط باشد، درواقع یک «شریان حیاتی» اقتصاد چین را در کنترل دارد. بنابراین، چین به دنبال تنوع‌بخشیدن به منابع انرژی و ایجاد روابط استراتژیک با بازیگران منطقه (مانند عربستان سعودی، ایران و امارات) است تا وابستگی خود به دروازه‌بانی آمریکا را کاهش دهد.

۲. **نقش ونزولا؛ منابع، حیاط خلوت و مقابله با مدل واشنگتن**

ونزولا به‌عنوان اراده بزرگ‌ترین ذخایر اثبات‌شده نفت در جهان، جایگاه مهمی در حوزه انرژی دارد و از این منظر، کنترل یا انکار دسترسی رقیب به این منابع، یک اهم استراتژیک قدرتمند است. هدف سیاست «فشار حداکثری» دولت ایالات متحده علیه دولت مائورو، نه‌تنها تغییر رژیم، بلکه جلوگیری از دسترسی چین و روسیه به این منابع نفت ارزان‌قیمت و ایجاد یک پایگاه نفوذ در حیاط‌خلوت آمریکاست و در مقابل، چین برای دهه‌ها میلیاردها دلار در ونزولا سرمایه‌گذاری کرده و آن را به یک متحد کلیدی در آمریکای لاتین تبدیل کرده است. حمایت چین از مائورو، یک ضدحمله به دکترین مونرویی آمریکا (سلطه بر نیمکره غربی) و نمایی از ارانه یک «مدل جایگزین» برای حکومت‌داری در مقابل «مدل واشگتن» است.

نسبت کلی از وضعیت منازعه

درگیری‌ها در خاورمیانه و ونزولا را می‌توان به‌نوعی جنگ با نمایندگی اقتصادی-ژئوپلیتیکی بین آمریکا و چین دانست. چنانچه در این دیدگاه چند مسئله حائز اهمیت است: نخست، تقسیم‌توجه به منابع؛ آمریکا مجبور است توجه، سرمایه و توان دیپلماتیک و نظامی خود را بین چندین جبهه (مقابله با چین در آسیا-اقیانوسیه، مدیریت خاورمیانه و مقابله با روسیه در اروپا) تقسیم کند. هردرگیری در خاورمیانه یا ونزولا، منابع آمریکا را از تمرکز کامل بر روی یک منحنر می‌کند که این به نفع یکن است، مگر آنکه آمریکا از فرجام درگیری اطمینان خاطر داشته باشد که بتواند منابع صرف‌شده در جنگ را از طریق بهره‌برداری از فرصت‌های پس از جنگ جبران کند. دوم، آزمایش ابزارهای قدرت؛ این بحران‌ها زمینه‌ای برای آزمایش ابزارهای قدرت هستند. آمریکا از تحریم‌های مالی استفاده می‌کند و چین در حال توسعه سیستم‌های مالی جایگزین برای خنثی‌کردن این تحریم‌هاست. سوم، رقابت بر سر نهادها و اتحادها؛ آمریکا از طریق ناتو و متحدان سنتی خود عمل می‌کند. چین از طریق ابتکار «کمربند و جاده» و سازمان‌هایی مانند گروه بریکس در حال ایجاد شبکه‌های نفوذ جایگزین است. نفوذ در مناطق دوردست مانند خاورمیانه و آمریکای لاتین، بخشی از این استراتژی گسترده‌تر است. به‌طور خلاصه، جنگ و بحران در خاورمیانه و ونزولا نسبتی مستقیم و استراتژیک با مواجهه اقتصادی آمریکا و چین دارند. درواقع، این درگیری‌های منطقه‌ای، جلوه‌ای از همان رقابت بزرگ‌تر بر سر تعیین این هستند که چه کسی قرن بیست‌ویکم را شکل خواهد داد. در این منازعه، وجود نیروی سوم می‌تواند زمینه را برای کنشگری مستقل بازیگرانی خارج از دو قطب آمریکایی-چینی فراهم آورده و منابع از درافتادن آنها به بحران‌های ناشی از تنش برای نظم اتی بین‌المللی شود.

زن

زنی که روزگاری درام‌زن گروه هوی متال بود، حالا سیاست ژاپن را با انضباط و عزم تازه می‌نوازد

زن آهنین شرق



دیدار با ترامپ، اولین آزمون دیپلماتیک تاکائیچی

سانانه تاکائیچی، نخست‌وزیر تازه ژاپن، در نخستین آزمون دیپلماتیک خود امروز آماده دیدار با دونالد ترامپ در توکیو است؛ دیداری که محور آن تجارت و امنیت خواهد بود. او که نخستین زن در مقام نخست‌وزیری ژاپن است، پس از پیروزی در حزب حاکم لیبرال‌دموکرات، در حالی دولت ائتلافی شکستنده‌ای تشکیل داده که برای تصویب قوانین هنوز به آرای مخالفان نیاز دارد. تاکائیچی با تکیه بر حمایت محافظه‌کاران حزب، موضوعی مشابه ترامپ در قبال چین دارد و وعده داده هزینه‌های دفاعی را تا پایان ماه مارس آینده به دو درصد تولید ناخالص داخلی برساند؛ تصمیمی در راستای درخواست دیرینه واشنگتن. ژاپن در مسیر تقویت توان نظامی، خرید موشک‌های تاماهاوک از آمریکا و توسعه سامانه‌های بومی را دنبال می‌کند. با وجود این، پیمان امنیتی پس از جنگ جهانی میان دو کشور همچنان منع تنب است؛ ترامپ از توکیو خواسته سهم بیشتری از هزینه استقرار ۶۰ هزار سرباز آمریکایی در ژاپن، به‌ویژه در اوکیناوا بپردازد. در حوزه تجارت نیز انتظار امتیازات بزرگ نمی‌رود. ترامپ تعرفه خودروه‌های ژاپنی را از ۲۷ به ۱۵ درصد کاهش داده و در مقابل، وعده ۵۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری ژاپن در آمریکا را گرفته است. بااین حال، تاکائیچی تلاش می‌کند با خرید بیشتر محصولات آمریکایی ازجمله کامیون، سبوا و گاز، امتیازات بیشتری بگیرد. رابطه شخصی میان دو رهبر نیز اهمیت دارد. تاکائیچی شاکر شینزو آبه است؛ نخست‌وزیر قبیدی که از محبوب‌ترین چهره‌ها نزد ترامپ بود. رئیس‌جمهور آمریکا در تماس تلفنی اخیرش از او با گرمی یاد کرده و گفته است «او عالی است، دوست نزدیک آبه بود و می‌دانید که آبه از محبوب‌ترین‌هایم بود».

این دیدار می‌تواند آغازگر فصل تازه‌ای در مناسبات توکیو و واشنگتن باشد.

رفت که در مسائل اجتماعی دیدگاه‌هایی مشابه دارد اما برابری جنسیتی در دستور کارش نیست.

در نخستین نشست خبری پس از رأی اعتماد، او دربارۀ کمبود وزیران زن در کابینه پرسیدند. بسیاری انتظار داشتند تعداد زنان در دولت جدید رکورد بزنند. او پاسخ داد: «از ابتدا گفته‌ام که به برابری فرصت‌ها باور دارم. می‌خواهم همه نسل‌ها با تمام توان در کنار هم کار کنند. بر همین اساس کابینه را تشکیل داد».

با وجود این، در کابینه‌اش تنها دو وزیر زن حضور دارند؛ یکی از آنان برای نخستین بار در تاریخ ژاپن، ریاست وزارت دارایی را بر عهده گرفته و دیگری وزیر امنیت اقتصادی و سیاست‌های مهاجرتی شده است؛ حوزه‌ای حساس در انتخابات گذشته.

حافظه تاریخی

ژاپن پس از جنگ جهانی دوم و در دوران اشغال آمریکا، حق رای و برابری حقوقی زنان را بر قانون اساسی گنجانده، اما از آن زمان تاکنون، تنها تعداد اندکی از زنان به مقام‌های بالای اجرایی رسیده‌اند. طبق پژوهش مرکز پیو، تنها حدود یک‌سوم از ۱۹۰ کشور عضو سازمان ملل

تاکنون رهبر زن داشته‌اند و سال گذشته فقط ۱۲ کشور در جهان نخست‌وزیری را رئیس‌جمهور زن داشتند. ایالات متحده هنوز در میان آنها نیست.

در تاریخ سیاسی ژاپن، زنان عمداً در احزاب مخالف مجال بروز یافته‌اند. «تاکاکو دوی» در دهه ۱۹۸۰ را رهبری حزب سوسیالیست ژاپن الهام‌بخش نسل تازه‌ای از زنان شد، اما در حزب لیبرال‌دموکرات، ساختار مردسالارانه فرصت اندکی برای صعود زنان فراهم کرده است.

«یوریکو کویکه»، وزیر پیشین محیط زیست، وضعیت زنان در سیاست را نه «سقف شیشه‌ای» بلکه «صخه آهنین» می‌نامید. وقتی در سال ۲۰۱۶ مسیرش در حزب مسدود شد، از پارلمان استعفا داد و به صورت مستقل در انتخابات فرمانداری توکیو شرکت کرد. او با وجود حمایت حزب از رقیبش، پیروز شد و نخستین فرماندار زن پایتخت شد. مواضع صریح او علیه فضای مردسالارانه سیاست، محبوبیتش را میان زنان بالا برد و سال گذشته برای سومین بار پیلی انتخاب شد.

«ماری میورا»، استاد علوم سیاسی دانشگاه سوئیا در توکیو، معتقد است انتصاب تاکائیچی در کوتاه‌مدت به ترمیم تصویر حزب آسیب‌دیده از رسوایی‌ها کمک می‌کند، اما پس از پایان «دوره ماه‌مسل»، انتظارات و نقدها از او شدیدتر خواهد بود. او می‌گوید: «زنان معمولاً برای شکست‌هایی که اگر مردان مرتکب شوند عادی تلقی می‌شود، سخت قضاوت می‌شوند».

در سطح اقتصادی نیز تصویر مشابهی دیده می‌شود؛ زنان تنها ۱۴٫۸ درصد از کرسی‌های هیئت‌مدیره شرکت‌های بورسی توکیو را در اختیار دارند و بیشتر آنان اعضای غیرموظف هستند؛ نشانه‌ای از دشواری مسیر صعود در ساختارهای درونی شرکت‌ها.

در سال ۲۰۱۸، رسوایی در چند دانشکده پزشکی ژاپن آشکار شد. مشخص شد این مراکز عمداً نمرات داوطلبان زن را پایین می‌آوردند تا مردان بیشتری پذیرفته شوند. یکی از دانشگاه‌ها حتی مدعی شده بود زنان به دلیل ساعات طولانی و طاقت‌فرسای کار، احتمالاً ترک خدمت می‌کنند. بعداً یکی از این مؤسسات به پرداخت غرامت محکوم شد. این ماجرا، تصویری غریان از تبعیض نهادینه‌شده علیه زنان در عرصه‌های حرفه‌ای ارائه داد.

در عرصه سنت نیز محدودیت‌ها پابرجاست؛ زنان اجازه ورود به حلقه

مقدس سومو را ندارند. در سال ۲۰۱۸، دو امیدادگ زن که برای کمک به

شهردار شهر مایزورو، هنگام سخنرانی روی صحن سومو رفتند، از میدان

بیرون رانده شدند. این حادثه خشم عمومی را برانگیخت و بسیاری آن را

نمونه‌ای از تبعیض مذهبی و فرهنگی علیه زنان دانستند.

بحران جانشینی امپراتوری

بحث درباره تغییر قانون جانشینی امپراتوری برای امکان سلطنت زنان، سال‌هاست در ژاپن جریان دارد. با کاهش شمار وارثان مرد، برخی سیاست‌مداران اصلاح قانون را پیشنهاد داده‌اند. بااین حال، تاکائیچی و متحدانش از طرحی حمایت می‌کنند که خویشان‌دان دور مرد را به خانواده امپراتوری بازگرداند تا «تداوم وراثت خانوادگی» حفظ شود. این موضع محافظه‌کارانه انتقاد گروه‌های افراطی چپ را برانگیخته است.

با وجود این رویکردها، برخی کارشناسان اقتصادی از چشم‌انداز حضور تاکائیچی استقبال کرده‌اند. «ربه نیشیهارا»، استراتژیست ارشد بازار سهام در مؤسسه جی‌پی مورگان ژاپن می‌گوید: «این اتفاق برای بسیاری هیجان‌انگیز است، نه‌فقط برای زنان. صرف‌نظر از دیدگاه‌های شخصی او، حضور یک رهبر زن می‌تواند به‌طور طبیعی درهای بیشتری را در شرکت‌ها و نهادهای عمومی باز کند؛ چون سیاست یکی از واپس‌مانده‌ترین عرصه‌ها در زمینه تنوع است». اما در میان زنان سیاست‌مدار باسابقه، احساسات دوگانه‌ای وجود دارد. برای «سیکیو نودا» که در سال ۲۰۲۱ رقیب تاکائیچی در رقابت حزبی بود و در رأی‌گیری اخیر از «شینجیرو کویزومی» ۴۴ ساله حمایت کرد، این موفقیت در عین تحسین برانگیزبودن، حس تلخی از ناگامی شخصی نیز دارد. او در پیامی صوتی در شبکه اجتماعی ایکس گفت: «اینکه او سقف شیشه‌ای را شکسته، واقعاً شگفت‌انگیز است، اما باید با فروتنی فکر کنم چرا من نتوانستم به آن نقطه برسم».

گزارش



تیر مخالفان به سنگ خورد پیروزی «میلی» در انتخابات آرزائتین

شرق: حزب «آزادی پیشرو» به رهبری خاویر میلی، رئیس‌جمهور لیبرتارین آرزائتین، در انتخابات میان‌دوره‌ای پیروز شد و مسیر اصلاحات سخت‌گیرانه‌اش برای کوچک‌سازی دولت و آزادسازی اقتصاد را تقویت کرد. رای‌دهندگان، با وجود نارضایتی‌های اجتماعی، بار دیگر به سیاست نظم مالی، کاهش هزینه‌ها و بازسازی اقتصاد اعتماد کردند.

نتایج رسمی نشان داد حزب میلی با ۴۰٫۸ درصد آرا، از جنبش چپ‌گرای پرونیستی با ۳۱٫۶ درصد پیشی گرفت. این پیروزی نه‌تنها تعداد کرسی‌های حزب او را در پارلمان تقریباً دو برابر کرد، بلکه نخستین آزمون واقعی میزان حمایت عمومی از دولت پس از دو سال اجرای سیاست‌های ریاضتی بود. میلی در شب پیروزی گفت: «امروز نقطه عطفی در تاریخ آرزائتین است؛ امروز آغاز ساختن کشوری بزرگ و آزاد است».

میلی، اقتصاددان ۵۵ساله‌ای که خود را «اتارکوپلیتالیست» می‌نامد، از آغاز دوره ریاست‌جمهوری‌اش بودجه آموزش، سلامت، بانزشتگی و زیرساخت را کاهش داده و وعده داده بود «با راه‌برقی به جان دولت فربه بيفتد». او بارها گفته که هدفش نه صرفاً صرفه‌جویی، بلکه «پایان‌دادن به وابستگی مردم به دولت» است. میلی اعلام کرد مجلس جدید «اصلاحگرترین کنگره در تاریخ آرزائتین» خواهد بود و کشور را در مسیر آزادسازی اقتصادی نگه می‌دارد.

دقایقی پس از اعلام نتایج، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و متحد نزدیک میلی، در پیام تبریکی نوشت: «او کار فوق‌العاده‌ای انجام می‌دهد». چند هفته پیش از رأی‌گیری، واشنگتن بسته‌ای ۴۰ میلیارددلاری برای تقویت ارزش یزو وعده داده بود؛ بسته‌ای که به باور ناظران، بخشی از حمایت سیاسی آمریکا از دولت میلی بود. این حمایت مالی و دیپلماتیک، در روزهای بحرانی پیش از انتخابات، به ثبات موقت بازار کمک کرد.

پیروزی حزب آزادی پیشرو موجب جهش ارزش پزو و بازگشت نسبی آرامش به بازارهای مالی شد. در مقابل، پرونیست‌ها، که ۸۰ سال بر سیاست آرزائتین سایه داشتند، یکی از ضعیف‌ترین نتایج تاریخ خود را تجربه کردند. «خوان گرابونیس»، از چهره‌های مخالف، این رقابت را «نبردی نابرابر» توصیف کرد که به گفته او با دخالت و نفوذ آمریکا همراه بود.

میلی در پایان سخنرانی‌اش گفت: «اصلاحات دردتان است اما ضروری، آینده از آن کسانی است که کار می‌کنند و به آزادی ایمان دارند». دو سال پس از آغاز ریاست‌جمهوری‌اش، دولت او برای نخستین‌بار در بیش از یک دهه به ماراد بودجه رسیده و نرخ تورم را مهار کرده است؛ نشانه‌ای از تحقق وعده‌های بازگرداندن انضباط اقتصادی.

دانشنامه فارغ التحصیلی **اینجناب امیر آهنگر بهان** فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۹۷۶۶ و شماره ملی ۰۰۶۶۵۲۰۶۱۴ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته دامپزشکی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی گرمسار به شماره ۰۰۶۷۱۸۹۰۰۰۱۴ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۳۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضای می شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار به نشانی گرمسار میدان دانشگاه خیابان دانشجو دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار ارسال نماید.

کارت شناسایی کارگاه به شماره ۳۷۳۲۱۱ به نام شرکت پارس خواب صادره از وزارت صنایع مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. هر گونه سوءاستفاده از آن پیگرد قانونی دارد.

کارت دانشجویی اینجناب محمد کلوند با شماره دانشجویی ۰۴۰۰۲۳۵۰۶۷ از دانشگاه شهید بهشتی رشته مهندسی عمران در مقطع کارشناسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.